

تأثیرات متقابل نیشابور و راه ابریشم در دوره ساسانی

میثم لباف خانیکی*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

(از ص ۸۷ تا ۹۷)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۷/۲۰؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۳/۰۵/۱۸

چکیده

راه ابریشم به مثابه عمده‌ترین مسیر ارتباطی میان تمدن‌های غرب و شرق تأثیر به‌سزایی در وقوع رویدادهای تاریخی داشته است. این شاهراه علاوه بر آنکه در طول تاریخ بستری مساعد برای مبادلات بازرگانی به شمار می‌رفته، گهگاه به عنوان مسیر تهاجمات و لشکرکشی‌های اقوام مهاجم به سرزمین ایران نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است. وجود کلان‌شهرهای باستانی همچون نیشابور در مسیر راه ابریشم شاهد روشنی است بر نقش این شاهراه در شکل‌گیری مراکز جمعیتی، اقتصادی و حکومتی در دنیای باستان. راه ابریشم از طرفی، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری شهر نیشابور به شمار می‌رود و از طرف دیگر شهر نیشابور در مقاطع مهمی از تاریخ ایران سبب رونق شاهراه مزبور شده است. پاره‌ای از فرایندهایی که ارتباط دو سویه راه ابریشم و شهر نیشابور را توضیح می‌دهند از طریق متون تاریخی و بخش دیگر از گذر مطالعات باستان‌شناسی قابل درک است.

واژه‌های کلیدی: نیشابور، راه بزرگ خراسان، راه ابریشم، دوره ساسانی، تجارت، جغرافیای اداری

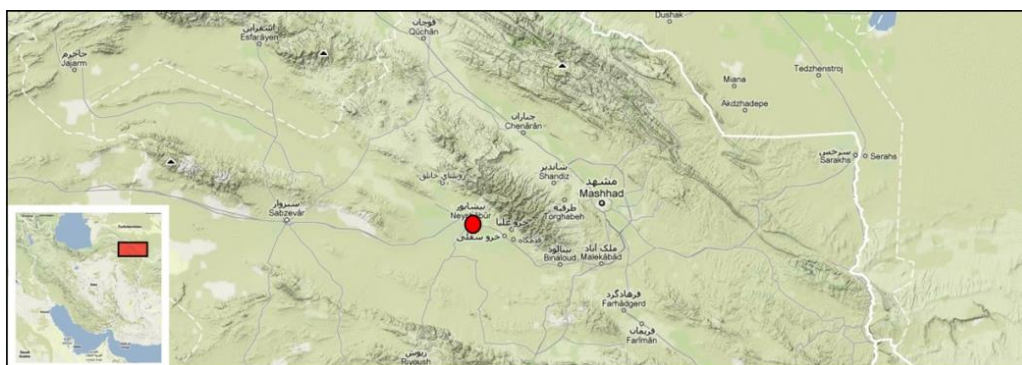
*نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: labfaf@ut.ac.ir

مقدمه

امروزه نیشابور با مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه شمالی و ۵۸ درجه و ۴۷ دقیقه و ارتفاع متوسط ۱۲۵۰ متر از سطح دریا، شهرستانی واقع در شمال شرق ایران و در استان خراسان رضوی است. این شهرستان در کوهپایه‌های جنوبی بینالود واقع شده و بهره‌مندی آن از زمین‌های حاصلخیز و آب‌های سرشار سطحی و زیرزمینی (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۰؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۷۱-۲۷۰؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۸-۱۶۶؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۲۸-۲۲۶؛ Fouach et al., 2011)، سبب رونق کشاورزی و باغداری در دشت نیشابور بوده است؛ به‌گونه‌ای که در قرن چهارم هجری بخشی از درآمد کشاورزی یکی از روستاهای نیشابور به اندازه کل درآمد شهر مرو بوده (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۳۸) و نیشابوریان به عنوان «توانگرترین سکنان بلاد خراسان» شناخته می‌شده‌اند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۹۶؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۷).

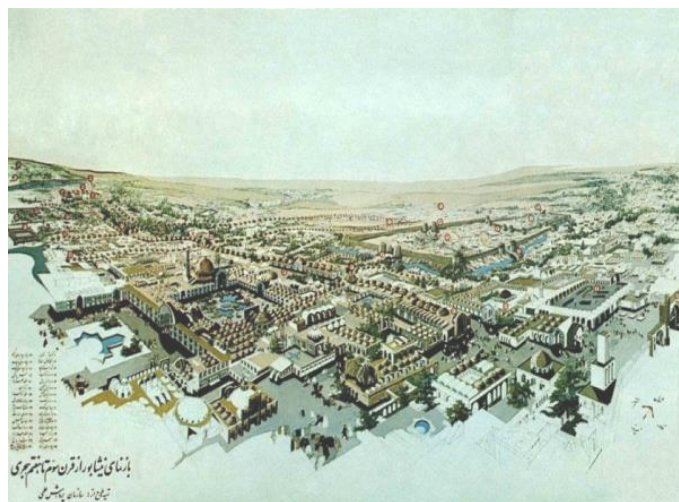
تداوم تولید اقتصادی و حیات ساختار سیاسی-اجتماعی نیشابور، در اثر ارتباط و تعامل این شهر با دیگر مراکز تولید و حوزه‌های جمعیتی و فرهنگی بود. امکان برقراری این ارتباط از طریق مسیری بود که از سواحل شرقی مدیترانه شروع شده، از نیشابور می‌گذشت و تا ایالت‌های غربی چین ادامه می‌یافت. راه بزرگ خراسان که در یک سده اخیر به نام راه ابریشم شهرت یافته است (رک. تکمیل همایون، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۴)، نه تنها زمینه تبادل کالا میان جوامع مختلف را مهیا می‌ساخت، بلکه مسیری برای تبادل فرهنگ، اندیشه و اعتقادات مردمان شرق و غرب آسیا نیز به‌شمار می‌رفت. نیشابور در میانه این راه، در مقام «مسکن بازرگانان» (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۸۹)، یکی از کانون‌های صادرات و واردات کالاهای تجاری و یکی از عمده‌ترین مراکز تلاقی افکار و فرهنگ‌های مختلف به‌شمار می‌رفت. گزارش جغرافیانگاران متقدم از تولید انواع منسوجات در نیشابور (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۷۵-۴۷۴؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۷) و استخراج مرغوب‌ترین سنگ‌ها از معادن آن شهر (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۵۸؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۴۹)، گویای نقش تأثیرگذار نیشابور در مبادلات بازرگانی راه ابریشم است. از طرف دیگر، حضور مسلمانانی از فرق مختلف در نیشابور قرن چهارم هجری (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۷۴-۴۷۳؛ انصاری قمی در مقدمه اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۱۹)، شواهد فعالیت مذهبی نسطوریان در قرن چهارم و پنجم هجری (Wilkinson, 1950: 66; 1973: 335, fig. 200) و بازتاب اعتقادات مانویان در نقاشی‌های دیواری نیشابور قرن سوم هجری (Wilkinson, 1950: 67)، گواهی بر وجود جریان‌های فکری و عقیدتی متنوع در جامعه نیشابور آن دوران است.

بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی، نیشابور قبل از آنکه از ارکان یک شهر برخوردار شود، زیستگاهی کوچک با سکنه معدود بود (Rante and Collinet, 2013: 53, 204) و بالطبع از فرایندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جاری در راه ابریشم تأثیر می‌پذیرفت. اما از زمانی که به عنوان یک پادگان نظامی مورد توجه پادشاهان ساسانی قرار گرفت و سپس به عنوان یکی از مراکز مهم سیاسی-اجتماعی خراسان بزرگ شناخته شد، در جایگاه تأثیرگذارترین قطب جمعیتی شمال شرق ایران بر سر راه ابریشم ایفای نقش نمود.



تصویر ۱- موقعیت شهر نیشابور در شمال شرق ایران

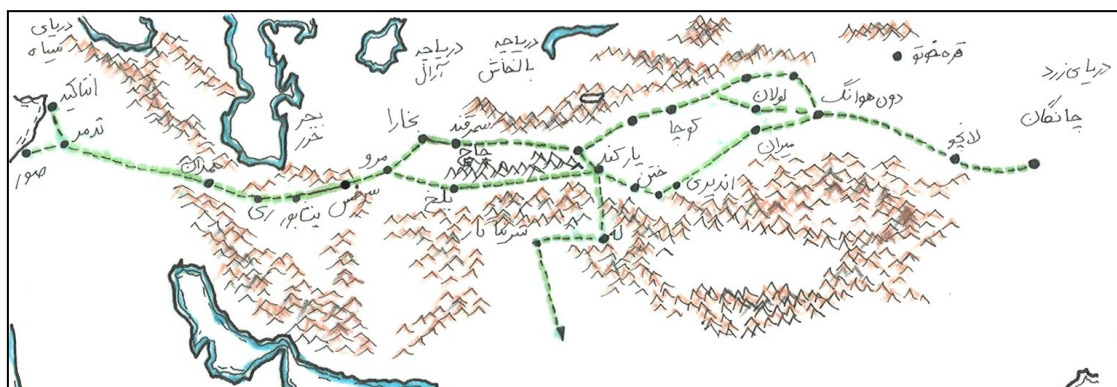
نیشابور که در حیات اقتصادی خویش، وام‌دار راه ابریشم بود، از قرون نخستین اسلامی در مسیر توسعه فرهنگی قرار گرفته و در دوره سامانی و سلجوقی به اوج آن رسید. توصیف نیشابور در متون جغرافیایی کهن، از آبادانی این شهر در دوره سامانی حکایت دارد. بنا بر گزارش‌های تاریخی، شهر نیشابور که به نام ابرشهر نیز شناخته می‌شد، فرسنگ در فرسنگ وسعت داشت و دارای دو شارستان بود (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۴؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۶۷-۱۶۶). قطعات گچ‌بری و نقاشی دیواری مکشوفه در کاوش‌های باستان‌شناسی نیشابور که به دوران سامانی نسبت داده می‌شود، بر وجود کاخ‌ها و عمارات مهم در دوران سامانیان دلالت دارد (Wilkinson, 1937). قطعات متعدد سفال و سازه‌های فلزی و شیشه‌ای نیز گواه رونق و اعتبار نیشابور در آن دوران است (Wilkinson, 1943, 1961). آثار باستانی باشکوه نیشابور، توصیف متون از شهر اسلامی نیشابور و خیل رجال و دانشمندان نیشابوری (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۹۵-۱۰۶) شواهد قاطعی از توسعه فرهنگی نیشابور در این دوران است (تصویر ۲). اما هجمه غزها و غوری‌ها و وقوع زلزله‌های متعدد در قرن ششم هجری راه زوال نیشابور را هموار ساخته و ضربه کاری حمله مغول در سال ۶۱۸ هجری به فروپاشی این شهر منجر شد. هرچند پس از آن نیشابور در محل امروزی خویش نضج گرفت، هیچگاه نتوانست دگربار به رونقی که در قرون میانی داشت نائل شود (ر.ک. لباف خانیکی و لباف خانیکی، ۱۳۸۶).



تصویر ۲- بازسازی فرضی از نیشابور قرن سوم تا هفتم هجری

نیشابور و راه ابریشم در دوره ساسانی

اساس توسعه نیشابور در دوران اسلامی بر شالوده نیشابور پیش از اسلام نهاده شده بود. به استناد متون تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی، مراکز جمعیتی واقع در دشت نیشابور به دلیل تماس مستقیم با مهاجمانی که از سرزمین‌های شمال شرقی گسیل می‌شدند دارای برج و باروهای حصین بود و نقش سنگری مستحکم را برای دفاع از مرزهای شمال شرق ایران ایفا می‌کرد. نیشابور در مقام عمده‌ترین استقرارگاه این منطقه، مرکزی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی، مبادلات اقتصادی و تمهیدات دفاعی به شمار می‌رفت (لباف خانیکی، ۱۳۹۱). بر این اساس می‌توان گفت که موقعیت نیشابور بر سر راه ابریشم اتفاقی نبوده است؛ چراکه وجود شهر نیشابور در منطقه شمال شرق ایران و در کنار راهی که اصلی‌ترین معبر ورودی مهاجمان شمالی به شمار می‌رفته، پادگانی را در برابر دشمنان خارجی فراهم می‌ساخته است. از یک سو، نقش پادگانی شهر نیشابور در دوره ساسانی بر امنیت و رونق راه بزرگ خراسان می‌افزود و از سوی دیگر، نیشابور از امکاناتی که راه ابریشم فراهم می‌آورد بهره می‌جست. به عبارت دیگر، مبادلات جاری در مسیر راه ابریشم اسباب توسعه شهر نیشابور را مهیا می‌ساخت.



تصویر ۳- مسیر راه ابریشم

نگاهی به موقعیت جغرافیایی نیشابور و کیفیت عوارض طبیعی منطقه شمال شرق ایران نشان‌دهنده آن است که نیشابور در مسیر راهی قرار گرفته بود که بخش‌های مرکزی فلات ایران را با خوارزم و ماوراءالنهر مرتبط می‌ساخت (تصویر ۳). این مسیر، قرن‌ها و هزاره‌ها پیش از تشکیل شهر نیشابور، به عنوان کوتاه‌ترین و آسان‌ترین مسیر برای مهاجرت‌های انسانی و مبادلات بازرگانی مورد استفاده بوده است. به گونه‌ای که نیشابور را در دوره پیش از تاریخ در محل چهارراه ارتباطی شرق به غرب و شمال به جنوب قرار می‌داده است (نک. Hiebert and Dyson, 2002). کشف پیکره‌ای مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد از شهر نیشابور نیز بر اهمیت این منطقه در عصر مفرغ، دوره‌ای که به سبب مبادلات میان‌فرهنگی گسترده شهرت یافته (Kohl, 1978: 465)، صحنه می‌گذارد (تصویر ۴).



تصویر ۴- پیکره مکشوفه از نیشابور (تصویر سمت راست) و پیکره‌های مشابه از بین‌النهرین (تصویر میانی) و باختر (تصویر سمت چپ)

این پیکره که مردی را به صورت نشسته نشان می‌دهد، از دیگر محوطه‌های باستانی مانند بین‌النهرین در یک سو، و باختر و سند در سوی دیگر فلات ایران به دست آمده است (لباف خانیکی، ۱۳۸۱). وجود این مجسمه در نیشابور بیانگر نقش استراتژیک نیشابور به عنوان مرکزی با اهمیت در مبادلات میان شرق و غرب خاور میانه در دوران آغاز تاریخی است.

هرچند، عبور شاهراه تجاری راه ابریشم از شمال شرق ایران، نیشابور را «در سر راه کاروانیان» قرار می‌داد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۱۱) و آن را به مرکزی تجاری تبدیل می‌کرد، از طریق همین راه بود که مهاجمان خارجی می‌توانستند به راحتی سرحدات شمال شرق را مورد نهب و غارت قرار دهند. چه بسا، غرض پادشاهان ساسانی از تأسیس و توسعه شهر نیشابور در این منطقه در راستای تأمین اهداف دفاعی و برقراری نظارت و امنیت بر امتداد شرقی راه ابریشم باشد. چرا که بهره‌گیری از شهرها به عنوان پایگاه‌های نظامی و پاسگاه‌های امنیتی، سنتی مرسوم در دوره ساسانی به شمار می‌رفته است. ایجاد برخی از این شهرها به نیت تأمین پادگانی برای دولت مرکزی و یا تأمین امنیت راه‌ها بود (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۲۳). شهر نیشابور نیز بر اساس متن پهلوی «شهرستان‌های ایران‌شهر» پس از پیروزی شاپور اول بر پادشاه توران تأسیس گردید (دریایی، ۱۳۸۸: ۳۸) و بر پایه یافته‌های باستان‌شناسی تا پایان دوره ساسانی به عنوان پایگاهی نظامی در دفاع از مرزهای شمال شرق ایفای نقش نمود.

با نگاهی به رویدادهای دوره ساسانی در شمال شرق ایران درمی‌یابیم که در این منطقه همواره اتفاقاتی مرتبط با جنگ و نبرد صورت می‌پذیرفته است (لباف خانیکی، ۱۳۸۷: فصل اول) و تداوم حیات در نیشابور بدون تجهیز این شهر به استحکامات دفاعی امکان‌پذیر نبوده است. کاوش‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته در شهر کهن نیشابور وجود تأسیسات نظامی در نیشابور دوره ساسانی را تأیید می‌نماید. در نتیجه کاوش‌های صورت گرفته طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ بخشی از دیوار بیرونی ارگ نیشابور شناسایی شد که در برخی نقاط بیش از ۱۰ متر ضخامت داشت. در بالاترین بخش حصار مزبور، قراول‌خانه‌ها و روزن‌هایی به عنوان تیرکش تعبیه شده بود (لباف خانیکی و لباف خانیکی، ۱۳۹۱: ۳۴۲). با توجه به نوع مصالح به‌کاررفته در این سازه و ساختار معماری قابل‌مقایسه آن با دیگر سازه‌های دفاعی دوره ساسانی، ارگ نیشابور را می‌توان بدون تردید قلعه‌ای دفاعی متعلق به دوره ساسانی معرفی کرد. علاوه بر نوع معماری، سفال‌های کشف شده از محدوده کهن‌دژ نیشابور نیز، دلیل متقنی بر زندگی پادگانی در این محل است. سفال‌های کشف شده از لایه ساسانی کهن‌دژ عموماً شامل سفال‌های خشن مربوط به ظروف ذخیره بوده و عمدتاً فاقد هرگونه لعاب و تزئینات است (لباف

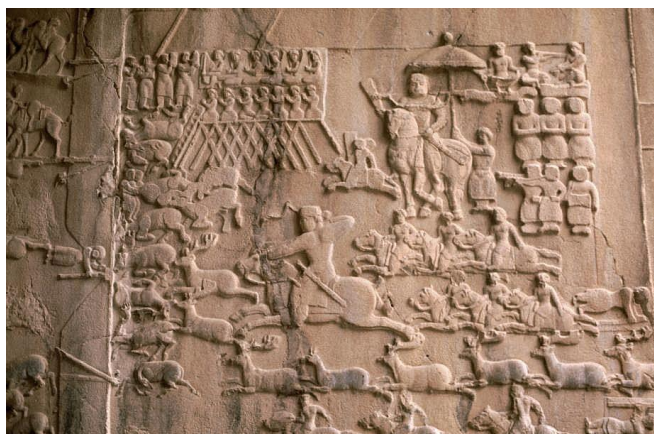
خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). فراوانی چشمگیر این‌گونه سفال بیانگر زندگی دور از تجملات و فاقد آرامش و حضور جمعیت‌های نظامی در این محل است.

نقش پادگانی و امنیتی شهر نیشابور در دوره ساسانی یکی از عوامل اصلی برقراری امنیت در جبهه شرقی راه ابریشم به‌شمار می‌رفت. ایجاد امنیت در مسیر راه ابریشم سبب امنیت خاطر بازرگانان و کاروان‌های تجاری می‌شد و این امر مبادلات تجاری در این بخش از راه ابریشم را رونق می‌بخشید. نیشابور به عنوان یکی از مهم‌ترین منزلگاه‌ها و باراندازهای کاروان‌های تجاری، از این رونق بیشترین بهره را می‌برد. آنچنان که از متون اوایل اسلام پیداست، نیشابور در دوره پیش از اسلام پایانه‌ای برای مبادله کالاهای وارداتی و داخلی به‌شمار می‌رفت. علاوه بر این، شواهد باستان‌شناسی نیز از نقش نیشابور به عنوان یکی از پایانه‌های تجاری راه ابریشم حکایت دارد. یکی از مهم‌ترین اسناد باستان‌شناسی، گل مهری است که در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی سال ۱۳۸۶ از بخش شرقی تپه کهندژ نیشابور به دست آمده است (لباف خانیکی، ۱۳۸۶: ۲۴ و ۳۱) (تصویر ۵).



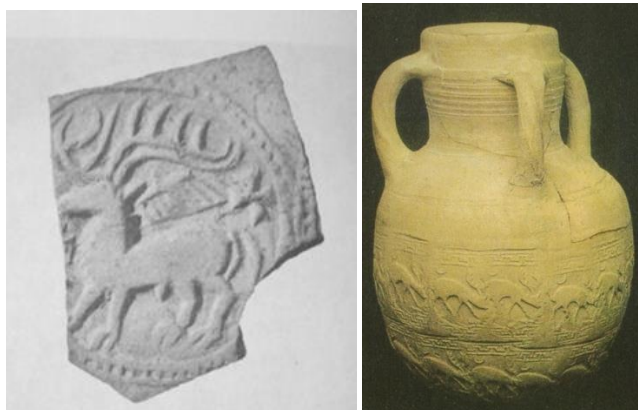
تصویر ۵- گل مهر به دست آمده از نیشابور با نقش گوزن زرد

گل مهرهایی نظیر آنچه از نیشابور به دست آمده، به احتمال قوی به عنوان مهر کالا کاربرد داشته است (Frye, 1989). به عبارت دیگر دورتادور کالاهای تجاری ریسمانی پیچیده می‌شد و انتهای آن ریسمان توسط گلوله‌ای گلی اصطلاحاً پلمپ می‌شد (مثل پلمپ‌های سربی امروزی) و بر روی گلوله گلی علامتی مهر زده می‌شد که شاخصه فرستنده یا تولیدکننده آن کالا بود. کما این که در پشت گل مهر نیشابور نیز دو سوراخ وجود دارد که محل گذراندن ریسمان بوده است. نقش این گل مهر نمایش‌دهنده نوع خاصی از گوزن است که به نام گوزن زرد شناخته می‌شود. آنچنان که از نام علمی این گوزن یعنی *Dama Mesopotamica* بر می‌آید، محل زیست اصلی این گوزن جلگه بین‌النهرین و مناطق غربی و جنوب غرب ایران می‌باشد. امروزه جمعیت اصلی گوزن زرد در آناتولی است و تعداد معدودی نیز در حوضه رودخانه دز در استان خوزستان زندگی می‌کنند (Kawami, 2005: 109). اما از شواهد باستان‌شناسی چنین پیداست که در دوره ساسانی شمار بسیار بیشتری از این نوع گوزن در بخش غربی فلات ایران پراکنده بوده است. یکی از بهترین اسناد، نقش برجسته ساسانی طاق‌بستان در استان کرمانشاه است (هرمان، ۱۳۷۳: ۱۵۲). در یکی از صحنه‌های این نقش برجسته، خسرو پرویز در شکارگاه شاهی در حال شکار گوزن زرد نمایش داده شده است (تصویر ۶).



تصویر ۶- نمایش شکار گوزن زرد در نقش برجسته طاق بستان

همچنین نقش این گوزن بر روی قطعه سفال ساسانی به دست آمده از نینوا (کرتیس، ۱۳۸۹: ۱۴۷) و نیز بر روی بدنه خمراهی متعلق به شمال بین‌النهرین (همان: ۱۵۶)، نشان‌دهنده آشنایی هنرمندان بین‌النهرینی با این جانور است (تصویر ۷). بنابراین، حضور گل مهر با اثر گوزن بین‌النهرینی از نیشابور نشانه ورود کالا یا نامه‌ای از منطقه جنوب غرب ایران و از طریق راه ابریشم به نیشابور است.



تصویر ۷- نقش گوزن زرد بر روی سفال‌های به دست آمده از بین‌النهرین

در پی افزایش مبادلات اقتصادی در نیشابور و رونق شهر، بر پیچیدگی روابط اقتصادی افزوده شد و شیوه‌های تولید متنوع به ایجاد اصناف و در نهایت شکل‌گیری طبقات انجامید. طبقات اجتماعی، که خود یکی از شاخصه‌های زندگی شهری به شمار می‌رود، بر پیچیدگی اجتماعی در دوره ساسانی افزود و به مرور نهادهای اجتماعی برای سازمان دادن به اصناف و طبقات نوظهور تکوین یافت. یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی-اقتصادی، مالیات است. بر اساس متون تاریخی، سازمان نظام‌مند دریافت مالیات از زمان قباد ساسانی شروع شد و در دوره خسرو انوشیروان به انسجام کافی رسید (آلتهایم و استیل، ۱۳۸۲: ۴۸-۳۷). در نیشابور سندی باستان‌شناختی کشف شده است که بر وجود نظام روشمند مالیات‌گیری دلالت می‌کند. این سند عبارت است از یک سفال‌نوشته به خط پهلوی که مضمون آن دلالت بر دریافت مالیات از یک شهروند نیشابوری در دوره ساسانی دارد (Labaf and Kervran, 2007: 26). این سفال‌نوشته که به اواخر دوره ساسانی تعلق دارد، بر اساس خوانش مقدماتی که رسول بشاش به عمل آورده، شامل مقادیر ذکر شده‌ای از جو، گندم و نان است که

از شخصی دریافت شده است. به احتمال زیاد این قطعه سفال، درپوش ظرفی بوده که اجناس مذکور در داخل آن قرار داشته‌اند و یا، آنگونه که بشاش در باره سفال‌نوشته‌های تپه میل ورامین بحث کرده (بشاش کنزق، ۱۳۸۳: ۹۴)، به عنوان حواله و یادداشت مورد استفاده واقع شده است. یکی دیگر از نشانه‌های نظام پیشرفته اقتصادی در نیشابور، نقش نیشابور به‌عنوان یکی از عمده‌ترین ضرابخانه‌های دوره ساسانی است. علاوه بر سکه‌های متعددی که در پی کاوش‌های باستان‌شناسی از شهر کهن نیشابور به‌دست آمده، سکه‌های بسیاری در دیگر نقاط ایران شناسایی شده که علامت ضرابخانه نیشابور در پشت آنها به‌چشم می‌خورد (گوبل، ۱۳۸۲: ۹۷).

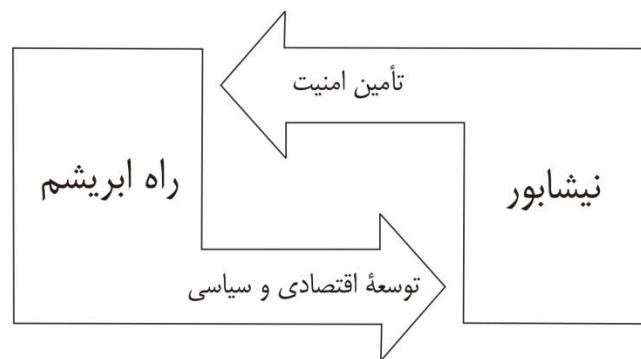
اما سر و سامان دادن به نهادهای اقتصادی و اجتماعی، نیازمند ساختار بوروکراتیک بود که ایجاد ساختار اداری در تقسیمات اداری - سیاسی نیشابور در دوره ساسانی و ادامه آن در دوران اسلامی این مهم را برآورده ساخت. بر اساس اسناد تاریخی، شهر نیشابور مرکز خوره نیشابور (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۶۷) و همچنین مرکز استان نیشابور یا ابرشهر بوده است. مرکزیت شهر نیشابور در استان نیشابور یا ابرشهر را از آنجا درمی‌یابیم که مرزبان، که در رأس حکومت استان قرار داشت (لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۱)، در نیشابور مستقر بود (البلاذری، ۱۳۶۴: ۱۵۹). علاوه بر این، بلاذری در شرح فتح نیشابور، ابرشهر^(۱) را تختگاه نیشابور معرفی می‌کند (همان). شهر نیشابور یکی از مراکز چهارگانه کوست خراسان محسوب می‌شده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۵: ۴۷۱) و سه مرکز دیگر عبارت بودند از مرو و هرات و بلخ که هریک از این مراکز نیز به نوعی با راه ابریشم در ارتباط بوده و بزرگترین شهرهای خراسان را تشکیل می‌دادند (مقدسی، ۱۳۷۴: ۶۰۴).

بررسی دقیق متون بیانگر آنست که استان نیشابور به پایتختی شهر نیشابور، به چهار خوره (کوره) (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۶) و یا ربع (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۰) یا خان (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۳۶؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۸۹) تقسیم شده بود. این چهار خوره عبارت بودند از: مازل، بشتفروش، شامات و ریوند^(۲) که شهر نیشابور در مرکز این تقسیمات چهارگانه واقع می‌شد. از حدود ذکر شده برای تقسیمات چهارگانه خراسان چنین برمی‌آید که نیشابور به انضمام ارباعش، گستره‌ای را تقریباً به پهنای دشت نیشابور دربر می‌گرفته و دیگر آبادی‌های استان نیشابور را روستاهای دوازده (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۵؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۳۶ و ۴۶۴) یا سیزده‌گانه^(۳) ای (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۰؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۸۹) تشکیل می‌داده که اعمال و اتباع نیشابور به شمار می‌رفته‌اند.

نتیجه

اگرچه مسیر موسوم به راه ابریشم، هزاره‌ها پیش از شکل‌گیری شهر نیشابور وجود داشت و در مبادلات تجاری و مراودات انسانی استفاده می‌شده است، اما پیدایش مراکز جمعیتی همچون نیشابور بر اهمیت این مسیر افزود و راه ابریشم بیش‌ازپیش مورد توجه بازرگانان و سیاحان قرار گرفت. راه ابریشم با فراهم آوردن ارکان یک شهر که همان تمرکز جمعیت، ایجاد نهادهای اجتماعی، توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی است، تمهیدات تکوین نیشابور را به عنوان عمده‌ترین شهر شمال شرق ایران مهیا نمود و نیشابور با تأمین امنیت در این منطقه باعث جذب کالا و سرمایه از سرزمین‌های مجاور گردید و بر رونق شاهراه تجاری شرق به غرب افزود. اگرچه، ارتباط تنگاتنگ میان راه ابریشم و نیشابور در مقاطعی از تاریخ به زیان نیشابور تمام شد و آن را به معبری برای هجوم اقوام ترک و مغول تبدیل کرد، اما موقعیت ژئواستراتژیک این شهر و رونق همیشگی راه ابریشم، بارها و بارها نیشابور را پروراند و آنچنان که امروزه هم شاهدیم این شهر توانست پس از دوره‌های

فترت کوتاه‌مدت، همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای خراسان مطرح باشد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان ارتباط متقابل نیشابور و راه ابریشم را در نمودار زیر خلاصه کرد:



پی‌نوشت

۱. در دوران اسلامی ابرشهر گاهی هم به شهر، و هم به خوره و استان نیشابور اطلاق می‌شد. ۲. ابن رسته ارباع نیشابور را چنین برمی‌شمارد: ریوند، تکاب، بشت فروش، مازل (ابن رسته ۱۳۶۵: ۲۰۰).
 ۳. تعداد سیزده روستای ذکر شده در برخی منابع به این دلیل است که جام و باخرز را دو ولایت و یا روستای مجزا دانسته‌اند و این دو در تاریخ حاکم نیشابوری یک روستای واحد پنداشته شده است. مقدسی خود، با این که نام سیزده ولایت را می‌آورد با عبارت «روستاهای دوازده‌گانه» از روستای نیشابور یاد می‌کند (مقدسی ۱۳۶۱: ۴۶۴) یاقوت می‌گوید که حق اینست که باخرز خود مستقل است و ربطی به جام ندارد (حاکم نیشابوری، تعلیقات: ۲۸۹ به نقل از معجم البلدان ۱۲۷/۳)

منابع

آلتهایم، فرانتس و روت استیل (۱۳۸۲)، تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، [ترجمه هوشنگ صادقی]، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 ابن بطوطه (۱۳۷۵)، سفرنامه ابن بطوطه، [ترجمه محمدعلی موحد]، آگاه، تهران.
 ابن حوقل (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل: ایران در «صورة الارض»، [ترجمه و توضیح جعفر شعار]، امیرکبیر، تهران.
 ابن خردادبه (۱۳۷۱)، مسالک و ممالک، [ترجمه سعید خاکرند]، مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی، تهران.
 ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، الاعلاق النفیسه، [ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو]، امیرکبیر، تهران.
 ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (۱۳۴۹)، ترجمه مختصر البلدان، بخش مربوط به ایران، [ترجمه ج. مسعود]، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
 اشعری قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵)، تاریخ قم، [ترجمه تاج‌الدین عبدالملک قمی، تصحیح محمدرضا انصاری قمی]، کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، قم.
 اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۷۳)، مسالک و ممالک، [ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار]، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران.
 بشاش کنزق، رسول، «خرده‌سفال‌های کتیبه‌دار تپه میل ورامین»، نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، ۶، ۱۳۸۳: ۹۴-۸۹.
 البلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴)، فتوح البلدان: بخش مربوط به ایران، چ ۲، [ترجمه آذرتاش آذرنوش]، سروش، تهران.
 تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۹)، جاده ابریشم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸)، اشکال العالم، [ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری]، به نشر، مشهد.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله (۱۳۷۵)، تاریخ نیشابور، [ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی]، نشر آگه، تهران.
- دریایی، تورج (۱۳۸۸)، شهرستان‌های ایران‌شهر، [ترجمه شهرام جلیلیان]، توس، تهران.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، [ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تصحیح میرهاشم محدث]، امیرکبیر، تهران.
- کرتیس، جان (۱۳۸۹)، بین‌النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی: وزنش و بازایی در حدود ۲۳۸ ق.م. - ۶۴۲ م.، [ترجمه زهرا باستی]، سمت، تهران.
- گوبل، روبرت (۱۳۸۲)، «سکه‌زنی»، تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ویرایش فرانتس آلتهایم و روت استیل، [ترجمه هوشنگ صادقی]، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۵۲-۵۷.
- لباف خانیکی، رجبعلی و میثم لباف خانیکی، «معماری کهن دژ نیشابور در دوره ساسانی»، نامورنامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده، ایران نگار، تهران، ۱۳۹۱: ۳۴۶-۳۳۷.
- لباف خانیکی، رجبعلی، «نیشابور، حلقه اتصال تمدن‌های بین‌النهرین، ایران، سند و باختر»، نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی ۱، ۱۳۸۱: ۴۶-۳۶.
- لباف خانیکی، رجبعلی (۱۳۸۶)، «مروری بر مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی هیئت مشترک ایران و فرانسه در کهندژ نیشابور»، گزارش‌های باستان‌شناسی (۶): ویژه‌نامه دوره اسلامی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران: ۵۲-۲۱.
- لباف خانیکی، میثم و رجبعلی لباف خانیکی، «شادیخ: یک بررسی تاریخی و باستان‌شناختی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات تاریخی ۱۵، ۱۳۸۶: ۱۴۶-۱۲۵.
- لباف خانیکی، میثم، «سفال‌های ساسانی شمال شرق ایران: طبقه‌بندی، مقایسه و تحلیل بر اساس ویژگی‌های شکلی»، مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۴-۱۸۶، ۱۳۸۷: ۱۷۸-۱۴۳.
- لباف خانیکی، میثم، «برهم‌کنش‌های سیاسی- اقتصادی شهر نیشابور با زیستگاه‌های اقماری‌اش در دوره ساسانی»، مطالعات باستان‌شناسی ۵، ۱۳۹۱: ۲۰۲-۱۷۵.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، نزهة القلوب، [تصحیح گای لیسترانج]، دنیای کتاب، تهران.
- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفة القالیم، [ترجمه علینقی منزوی]، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران.
- مقدسی، مطهربن طاهر (۱۳۷۴)، آفرینش و تاریخ، [ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی]، آگه، تهران.
- مؤلف نامعلوم (۱۳۶۲)، حدودالعالم من المشرق الی المغرب، [به کوشش منوچهر ستوده]، کتابخانه طهوری، تهران.
- هرمان، جورجینا (۱۳۷۳)، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، [ترجمه مهرداد وحدتی]، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- پارشاطر، احسان و دیگران (۱۳۸۰)، تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، [ترجمه حسن انوشه]، امیرکبیر، تهران.
- Fouache, E., C. Cosandey, P. Wormser, M. Kervran and R. A. Labbaf Khaniki, 2011. The river of Nishapur, *Studia Iranica* 40: 99-119.
- Frye, R. N., 1989, Bullae, in: Yarshater, E., (ed.) *Encyclopedia Iranica*, Vol. 4, Fasc. 5, New York: Mazda Publication, 545-546.
- Hiebert, F., and R. H. Dyson, Jr., 2002. Prehistoric Nishapur and the frontier between Central Asia and Iran, *Iranica Antiqua* 37: 111-147.
- Kawami, T. S., 2005. Deer in art, life and death in Northeastern Iran, *Iranica Antiqua* 40: 107-131.
- Labbaf, R. A., and M. Kervran, 2007. *Nishapur: Seasons 2004-2007*, ICHTO-CNRS-Musee du Luvre, (unpublished).

Philip L. Kohl, 1978. The Balance of trade in Southwestern Asia in the mid-third millennium B.C., *Current Anthropology* 19/3: 463-492.

Rante, R. and Collinet, A., 2013. *Nishapur revisited: stratigraphy and ceramics of the Qohandez*, Oxford: Oxbow Books.

Wilkinson, C. K., 1937. The Iranian expedition, 1936, the excavations at Nishapur, *Bulletin of the Metropolitan Museum of Art* 32: 3-36.

Wilkinson, C. K., 1943. Water, ice, and glass, *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, January: 175-183.

Wilkinson, C. K., 1950. Life in early Nishapur, *The Metropolitan Museum of Art Bulletin* 9/2: 60-72.

Wilkinson, C. K., 1961. The Glazed pottery of Nishapur and Samarkand, *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, November: 102-115.

Wilkinson, C. K., 1973. Nishapur: Pottery of the Islamic period, New York: *The Metropolitan Museum of Art*.